



## مراقبات ماه رجب

## شرافت رجب

این ماه بسیار شریفی است به این جهت که :

1- از ماههای حرام می باشد.

2- از اوقات دعا می باشد و حتی در زمان جاهلیت به این مطلب مشهور بوده و مردم آن زمان منتظر این ماه بوده تا در آن دعا کنند.

3- این ماه ، ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می باشد؛ همانطور که در بعضی از روایات آمده است چنانچه شعبان ، ماه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و رمضان ماه خدای تعالی می باشد.

4- شب اول آن یکی از چهار شبی است که تاءکید به زنده نگهداشتن آن به عبادت شده است .

5- درباره روز نیمه آن آمده است که محبوبترین روزها نزد خداوند بوده و زمان انجام عمل ((استفتاح)) است که بطور مفصل خواهد آمد.

6- روز بیست و هفتم این ماه ، مبعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد. روزی که زمان ظهور رحمت خداوند است . چیزی که از اول خلقت تا کنون مانند آن دیده نشده است .

این گوشه ای از فضایل این ماه بود و ما توان فهم تمام فضایل این ماه شریف را نداریم .

## ندای ملک داعی و جواب آن

یکی از مراقبتهای مهم در این ماه به یاد داشتن حدیث ((مَلَكٌ داعی)) می باشد که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است . پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ((خدای متعال در آسمان هفتم فرشته ای را قرار داده است که ((داعی)) گفته می

شود. هنگامی که ماه رجب آمد، این فرشته در هر شب این ماه تا صبح می گوید: خوشا بحال تسبیح کنندگان خدا، خوشا بحال فرمانبرداران خدا. خدای متعال می فرماید: همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند، فرمانبردار کسی هستم که فرمانبردارم باشد و بخشنده خواهان بخشایش هستم . ماه ماه من بنده بنده من و رحمت رحمت من است . هر کسی در این ماه من را بخواند او را اجابت می کنم و هرکس از من بخواهد به او می دهم و هرکس از من هدایت بخواهد او را هدایت می کنم . این ماه را رشته ای بین خود و بندگام قرار دادم که هرکس آن را بگیرد به من می رسد.))

افسوس از کوتاهی ما در طاعت خدا! کجایند شکرگزاران ! کجایند تلاشگران ! آیا عاقلان توان فهم حق این ندای آسمانی را دارند! چرا جوابی نمی شنوم ! کجایند عارفانی که می دانند کسی توان شکر این نعمت را ندارد! کجایند کسانی که اقرار به کوتاهی و عجز دارند که در جواب این منادی آسمانی بگویند: اجابت کرده و یاریت می کنیم درود و سلام بر تو ای منادی خدای زیبا و جلیل ، شاه شاهان ، مهربانترین مهربانان ، خدای بردبار و کریم ، رفیق دلسوز، صاحب عفو بزرگ ، تبدیل کننده بدیهای انسان به خوبیها، اینان بندگانی گناهکار و طغیانگر، پست و اسیر شهوتها و غفلتها می باشند! ای فرستاده بزرگ خدا مردگان بظاهر زنده را صدا می کنی کسانی که قلبهایشان مرده و عقلهایشان جدا و روحهایشان فاسده شده !

چرا مردگان را صدا می زنی ! کسانی که صدای تو سودی به آنان نمی رساند مگر اینکه با ندای تو قلبها زنده شده ، عقلها بازگشته و روحها بیدار شود و درباره ارزش و بهای گران این ندای آسمانی و بزرگی پروردگار و پستی نفس و سختی آزمایش و بدی حال خود بیندیشند. آنان شایسته راندن و دور نمودن و لعنت و عذاب هستند؛ ولی وسعت رحمت پروردگار باعث این دعوت بزرگ شده است ، آن هم با این زبان و بیان لطیفی که بالاتر از

تصور انسان و خواسته و آرزوی او است . اکنون با واسطه قرار دادن این ندای آسمانی و لطف بزرگ از خدا می خواهیم ما را موفق به اجابت این دعوت و کرامت بزرگ بدارد .  
ای وعده دهنده سعادت ! با خوش آمدگویی و کمال میل و جانفشانی ندای تو را اجابت می کنیم زیرا ما را به تسبیح کردن مالک کریم خود توجه دادی و ما را ترغیب به اطاعت از مولای مهربان خود کردی و ما را به کرامت پروردگار رساندی . ای منادی ! زبان حال افراد پست پاسخت می دهند که ما را بهره مند ساخته و بزرگ داشتی و دعوت به بزرگترین سعادتها نمودی . پستی و فساد و کوچکی ما کجا و تسبیح و تمجید خدایمان کجا! خاک کجا و خدای خدایان کجا! آلوده به پلیدیها کجا و مجلس پاکان کجا! و اسیر در زنجیر کجا و منزل آزادگان کجا؟ ولی لطف پروردگار باعث شده تا به ما اجازه تسبیح خود را بدهد. و حکمت او ما را مشرف به این تکلیف کرده است . چه رسوایی بزرگی اگر بعد از این بخشش بزرگ در تسبیح او کوتاهی و در فرمانبرداری او سستی کنیم ! چه آقای کریمی و چه بنده های پستی ، چه خدای بردبار و چه بندگان کم عقلی !

با گوش دل شنیدیم آنچه را از پروردگار به ما رساندی که ((من همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند)) در حالی که بزرگی این ابلاغ هر زبانی را در عالم امکان و در تکلیف جواب آن ، لال کرده و عاقلان از زیبایی این کرامت متحیر شدند. اگر هر کدام از مشرف شدگان به این خطاب دارای بدن تمام جهانیان و روحهای تمام صاحبان روح بودند و تمام آن را در جواب و برای بزرگداشت این خطاب فدا می کردند، چیزی از حقوق آنرا ادا نکرده و شکر حتی جزیی از آن را نمی توانستند بجا آورند. پس چرا انسان بیکاره پست از اجابت این دعوت غفلت می کند و در استفاده از این منزلت و مقام بزرگ کوتاهی می کند و به این هم بسنده ننموده و بجای تمجید و تسبیح خدا، کسی را تمجید می کند که تمجیدش مستوجب آتش بوده ، و به جای همراهی با فرشته های نزدیک خدا و پیامبران ، در مجلسی

که پروردگار جهانیان حضور دارد، به قرین شدن با جن ها و شیطان ها در میان طبقات جهنم راضی می شود.

عجیب تر از این دیده ای ! دیده ای که خالق مخلوق را برای همنشین خود بخواند ولی مخلوق اجابت نکند و در حالی که آقا مناجات بنده و انس او را دوست دارد، بنده از قبول عنایت او خودداری کند! پس با تأسف و اعتراف به غفلتهای خود و با ناچاری جواب می گوییم: بله، ای پروردگار و آقا و ای مالک و مولا! اگر توفیق تو نصیب ما شده و در این دعوت عنایت تو شامل حال ما شود و با این دعوت ما را به کرامت برسانی - چنانچه از کرم تو جز این انتظار نمی رود و از کمال و بخشش تو جز این انتظاری نیست - چه سعادت بزرگی که در این صورت به بالاتر از آرزوی خود می رسیم. ولی وای بر ما اگر جز این باشد! در این حالت چه کنیم با این تیره روزی و مجازات دوری از رحمت حق ! پس می گوییم: و هیچ خدایی جز تو نیست. تو را تسبیح و تمجید می کنیم. ماییم ستمگران. خدایا به خود ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و به ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود. بلکه بناچاری بیشتر جسارت کرده، ذلت و پستی خود را آشکار نموده، با قسمهای بزرگی نیز آنرا تءکید کرده و عرض می کنیم: قسم به عزت و جلالت ای پروردگار ما! حتما از دستورات تو سرپیچی، خود را هلاک کرده و بر تو می شوریم و فاسد می شویم، اگر با توفیق خود ما را نگهداری نکنی و با عنایت خود بر ما خوبی نکنی. زیرا توان و نیرویی نیست مگر با یاری تو.

پس از این با توفیق تو بیشتر گفته و با یاری تو در خواستن خود پافشاری می کنیم و به جناب قدس تو که نه، بلکه به حضرت رحمت و لطفت بخاطر جلب عطوفت آقای خود و نازل شدن رحمت پروردگار خود عرضه می داریم: ای کریمترین کریمان! و ای بخشنده ترین بخشندگان! ای کسی که خود را لطف نامیده است! ای منادی ما را در این ماه بزرگ به کرم تو دعوت و به لطف و رحمت اشاره و بزرگواری و بزرگداشت تو را برای ما گفت

(ماه ماه من است و بنده بنده من و رحمت رحمت من ) بنابراین با این دعوت ما میهمانان دعوت شده تو و درماندگان درگاہت گردیدیم .

بعد از اینکه عاقل فهمید این روز در نزد خدا چه ارزشی دارد، باید به خود رحم کرده و نگذارد این سرمایه بزرگ برای جبران حالتهای سابق و کوتاهیها و تقصیرات گذشته ، از دستش برود. زیرا می تواند در یک روز گذشته و آینده خود را اصلاح کند. و باید مانند دوستی دلسوز به خود بگوید: چرا در این اندرز و نصیحت الهی تاءمل نمی کنی ! اندرزی که اگر به آن عمل کنی ، تو را از آتش جهنم و شکنجه دردناک رها و از تاریکیها به نور می برد. متوجه باش خدای بزرگ تو را به مجلس رحمت و امان و بخشش پادشان و سلطان و عطای خلعتها و هدایا و اسناد فضل و امتیاز فرا خوانده و تو را در مجلس دوستان خود حاضر کرده و تو را برای رفاقت دوستان صمیمی و برگزیدگان خود برگزیده و در وعده های خود تصریح کرده که با استغفار تو را می بخشد. پس در استغفار کوتاهی نکن و بکوش در استغفارت صادق بوده و پرهیز که استغفار را تبدیل به استهزاء نمایی . برای دعای تو وعده اجابت داده است . بنابراین به خواندن الفاظ و کلمات دعا بسنده نکرده و حال دعا را نیز در خود به وجود آور. زیرا گاهی انسان فقط الفاظ دعا را می خواند و خیال می کند واقعا دعا کرده است .

مهمترین چیز در دعا شناخت خدایی که به درگاه او دعا می کنیم و امیدواری به اجابت اوست . اغلب مردم در شناخت خداوند دچار تنزیه صرف می شوند که ملازم با انکار خداوند است . عده ای نیز خیال می کنند خداوند چیز توخالی است که بر همه چیز احاطه داشته و در بالای ستارگان قرار دارد و بهمین جهت خدایی را که در مکان بالایی قرار دارد می خوانند یا گمان می کنند که خود و عالم بی نیاز و قائم به نفس هستند. خلاصه این که مهمترین چیز در دعا کامل نمودن شرایط آن است و کمال شرایط به این است که خداوند متعال را به طور اجمال و بگونه ای شناخته که در خور دعاکننده باشد. و این شرط را حتما

باید دارا باشد. و هنگام دعا او را حاضر ببیند بلکه دعای خود را هم که بر زبانش جاری شده است از ناحیه خدا بداند؛ به او خوش گمان بوده و به اجابت او در صورتیکه مضمون دعا بصلاح باشد امیدوار باشد.

در اول دعای خود تعدادی از اسامی جمالیه خدا یا آنچه با دعایش مناسب است را بگوید؛ مدح و ثنای الهی را بجا آورده و سپس هفت بار ((یا ارحم الراحمین)) گفته و به گناهان و عیوب خود و سزاوار نبودنش برای اذن در دعا و اجابت آن اقرار کند. سپس بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات بفرستد؛ به آنها متوسل شده و خداوند را در اجابت دعا به حق آنان قسم بدهد. و نیز مطلوب خود را جداگانه نگفته و آن را شرط یا قید یا صفتی برای صلوات آنان قرار دهد. بهتر است مثلاً بگوید: بر آنها صلوات بفرست صلواتی که گناهان مرا بخاطر آن ببخشی. سپس دعایش را با صلوات و با گفتن ((ما شاء الله لا قوه الا بالله)) به پایان برساند. نیز هنگام دعا گریه کند گرچه اشک او به اندازه سر سوزنی باشد. و حتماً تمام این مطالب را چهار بار تکرار کند. زیرا خدا گدای لجوج را دوست دارد. و برای دعا شرایط دیگری نیز هست که در جای خود گفته شده.

خلاصه سائل باید اعتقاد به راستی وعده های خدای متعال را در خود تقویت نماید. و در مورد این وعده ها و بزرگی این سعادت فکر کند. و متوجه این باشد که این روز و این مقام محال است که دو بار در سال بوجود بیاید. و هیچ اطمینان و گمانی نیست که در سال آینده چنین روزی را درک کرده و بتواند تقصیرات خود در این روز را جبران نماید. و هنگامی که این توجه را در خود بوجود آورد، نخواهد گذاشت این روز بدون بهره از دست برود. بخصوص که شدت احتیاج خود را به مانند آن در بامداد فردا می بیند هنگامی که در پیشگاه پادشاه جبار برای حساب حاضر شود. روزی که بزرگتر از آن، نیست. و اگر توانست باید دعای استفتاح را با شرایط آن بجا بیاورد و اگر نتوانست حتماً دعای تنها را بخواند و امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند.

بہتر است چہار رکعت نماز و دعای پس از آن را کہ امیرالمومنین خواند، بخواند. دعایی کہ اول آن چنین است: ((یا مذل کل جبار!)) و سپس حاجات خود را بخواید. و در طول روز بیاد داشته باشد کہ این روز از اموری است کہ مخصوص بہ این امت بودہ و بخاطر این اختصاص و کسی کہ بہ خاطر او این اختصاص بوجود آمدہ است، خدای را شکر نماید و بر محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) و آل او بسیار صلوات فرستادہ و دعای زیادی بہ آنها بکند. و روز خود را با آنچه روزهای شریف را با آن بہ پایان می رساند و بارها گفتہ شد، بہ پایان برساند.

سرور مراقبین (قدس سرہ) در اینجا توضیحاتی در مورد روایت دعای استفتاح دادہ و عنایات این رویداد مبارک و مراقبات با ارزشی را در این زمینہ ذکر کردہ است. برای توضیح بیشتر می توانید بہ کتاب اقبال مراجعہ نمایید. و حتما مراجعہ نمایید زیرا فواید زیادی برای اہل آن دارد. گرچہ برای غافلین بی ارزش است.

### بیست و ہفتم رجب

بعد از روز پانزدہم بہ منزل دیگری از منازل رجب و شریفترین آنها بلکہ شریف تر از تمام روزها و شبہا، یعنی روز و شب بیست و ہفتم رجب می رسیم.

### شب بیست و ہفتم

در کتاب اقبال از ((محمد بن علی الطرازی)) در کتابش از امام جواد (علیہ السلام) روایت نمودہ کہ فرمودند: ((در رجب شبی است کہ برای مردم بہتر است از ہرچہ کہ خورشید بر آن تابیدہ است و آن، شب بیست و ہفتم است کہ پیامبر در صبح آن بہ پیامبری برانگیختہ شد. اگر کسی از شیعیان ما در این شب عامل باشد مانند پاداش عمل شصت سال برای او خواهد بود - خداوند بہ تو شایستگی دہد گفتند: عمل در آن چیست؟ فرمود: ہنگامی کہ



نماز عشا را بجا آورده و خوابیدی و بیدار شدی - قبل از نیمه شب باشد یا بعد از آن - دوازده رکعت نماز - بصورت نمازهای دو رکعتی - بجا می آوری و در آن دوازده سوره از سوره های کوچک مفصل (از سوره محمد تا پایان قرآن) می خوانی و هنگامی که دوازده رکعت نماز را خواندی و سلام دادی هفت بار سوره ((حمد))، هفت بار ((معوذتین))، هفت بار ((قل هو الله احد))، هفت بار ((قل یا ایها الکافرون))، هفت بار ((انا انزلناه))، و هفت بار ((آیه الکرسی))، می خوانی و بعد این دعا را می خوانی: **الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا...** و سپس هرچه می خواهی از خدا بخواه - زیرا چیزی نمی خواهی مگر این که اجابت می شود مگر این که گناه یا قطع رحم یا هلاک گروهی از مومنین را بخواهی . و فردای آن را روزه می گیری زیرا روزه این روز ثواب یک سال روزه را دارد. و اگر مانعی پیش آمد که او را از این عمل باز داشت نمازی را که در شب نیمه رجب روایت کردیم بخواند زیرا آن نماز در این شب هم وارد شده است .

### درک حق شب و روز مبعث

و مهمترین مطلب ، فهمیدن حق این شب و روز است . و این مطلب از آنچه درباره نعمت وجود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم ) و نعمت بعثتش ، در روز ولادت امیرالمومنین (علیه السلام ) گفتیم ، فهمیده می شود زیرا کسی بالاتر از رسول خدا نیست . او سرور تمامی مخلوقات و شریفترین و نزدیکترین آنها به خدا و محبوبترین آنها نزد خداست . اوست ((نور اول))، ((حجاب اقرب))، ((عقل اول))، و ((اسم اعظم)) و هیچ پیامبر و فرشته نزدیکی به خدا، نمی توانند به این صفات برسند و اوست رحمتی برای جهانیان . بنابراین باندازه شرف وجود او که شریفترین موجودات است و باندازه خیرات مبعث شریفش ، شرف این روز و نور و خیر و برکات آن بیشتر می شود. و بهمین اندازه حق شکر آن برای امت و شیعیانش در نزد عقل بیشتر می شود. ای عاقل ! فکر کن آیا آنچه را گفتیم قبول

داری ؟ اگر قبول داری باید جدیت کنی و احتیاج به تشویق نداری . زیرا خیر خود بخود انسان را مجذوب می کند و اگر قبول نداری یا باید از عقاید اهل اسلام خارج شده یا خود و قلبت را اصلاح کنی تا ایمان پیدا کنی ولی گمانم این است که کوتاهی اغلب مسلمین در این موارد به جهت قبول نداشتن و بی ایمانی نیست - پناه بر خدا - بلکه بخاطر غوطه ور شدن در زیباییهای این دنیای پست و فریب خوردن از آن است . آنقدر سرگرم رقابت برای بدست آوردن مادیات شده اند که از این امور غافلند و تا دیدار قبر از این سرگرمی باز نمی ایستند. یاد دنیا دلهای آنان را از یاد خدایشان و فهم مبدء و معادشان باز داشته است . خلاصه سائلک باید با تمام توان سعی کند این روز آنچنانکه باید بزرگ داشته شود و نعمت بعثت و نور و برکات و بزرگترین سعادتها و خیراتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده است را آنگونه که باید، بفهمد. و اگر ببیند خوشحالی او در جشن و سرور دنیایی بهمین اندازه یا بیشتر است ، باید پستی نفس و وارونگی قلب خود را اصلاح نموده و از صفات حیوانی و عالم طبیعت فاصله گرفته و خود را به عالم نور نزدیک نماید.

### روز بیست و هفتم

از کارهای مهم در این روز، روزه ، غسل ، زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و زیارت امیرالمومنین با زیارت مخصوص و ارزنده ای که برای این روز وارد شده است می باشد.

و همینطور نمازی که در کتاب اقبال روایت شده که قبل از ظهر خوانده می شود. این نماز دوازده رکعت است در هر رکعت حمد و هر سوره ای که توانستی می خوانی و بین هر دو رکعت می گویی : الحمد لله الذی لم یتخذ... و هنگامی که از نماز و دعا فارغ شدی ((حمد))، ((قل هو الله))، ((قل یا ایها الکافرون))، ((معوذتین))، ((انا انزلناه فی لیلة القدر)) و ((آیة الكرسی)) را هر کدام هفت بار می خوانی سپس هفت بار می گویی : لا اله الا الله و

الله اکبر و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله و هفت بار می گویی : ((الله الله ربی لا اشرك به شیئا)) سپس برای هرچه خواستی دعا می کنی .

و نیز از اعمال مهم در این روز خواندن دعاهاى زیر می باشد. که یکی با این عبارت ((یا من امر بالتجاوز)) و دومى با این عبارت ((اللهم انى اسئلك بالتجلى الاعظم )) شروع می شود.

سید قدس سره در کتاب اقبال درباره ارزش نعمت بعثت توضیحاتی داده است که می توان به آن کتاب مراجعه نمود.

انسان باید در مورد ایام جاهلیت و دوره قبل از بعثت اندیشه کند و ببیند مردم به کجا رسیده بودند. عده ای یهودی ، عده ای مسیحی و عموم مردم بت پرست بودند. احکام اسلام را ترک کرده ، از اخلاق انسانی جدا شده و با خلق و خوی درندگی و صفات حیوانات خو گرفته بودند. کارشان به جایی رسیده بود که دختران را زنده بگور کرده و بدین طریق پیوندها را می بریدند. به چیزهای باطل افتخار کرده ، از عدل جدا شده و حقوق یکدیگر را از بین می بردند. قدرتمندان را بر ناتوانان مسلط نموده انسانهای شریف را از بین برده ، با علماء دشمنی کرده و از حکیمان وحشت داشتند. بساط علم را برچیده ، خوبی بردباری و علم را انکار کرده ، قطع رحم نموده و شبیه چهارپایان شده و قمار می کردند؛ شراب نوشیده عقل خود را زیر پا گذاشته و فرزندان خود را می کشتند. شهرها را خراب کرده نیکبها را فراموش نموده ، شریعتهای الهی را از بین برده ، سرمایه ها را نابود کرده و مرتکب کارهای زشت می شدند.

خودپسندی و تکبر در میان آنها رواج پیدا کرده و به بی صبری افتخار می کردند. فحشاء و منکرات را روش خود ساخته و سخنان باطل (مانند دروغ ، شهادت ناحق ) می گفتند پیامبران را کشته و اولیای خدا را از میان خود بیرون می کردند. بدکاران را حاکم بر خود نموده و کسانی را که اصل و نسب درستی نداشتند اطاعت می نمودند. شیطان را عبادت ،

خدا را بخشم آورده و آتش دوزخ را بر افروخته بودند. و در اثر این امور امواج خشم و غضب پروردگار به تلاطم آمده و نزدیک بود عالم نابود شده و تازیانه غضب خدا آنها را به جهنم براند. یا همانطور که مشغول کارهایشان هستند آنان را در هم کوبیده و نابود کند. چیزی نمانده بود که آتش بر آنان فرود آمده و آنان را بسوزاند. یا در زمین فرو روند یا باران سنگ بر آنها ببارد یا تبدیل به خوک شده یا به عذاب و مجازات و بلا و بدبختیهای دیگری گرفتار شوند که عنایت پروردگار برای تمام کردن حجت و کامل کردن رحمت شامل حالشان گردیده و خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) را با فضیلتی که گفتیم برانگیخت تا رحمتی برای جهانیان و نشانی برای هدایت باشد. آنها را از تاریکیها خارج کرده و به نور رساند.

نادانی آنان را به علم ، گمراهیشان را به هدایت ، هلاکتشان را به نجات ، ستم آنان را به عدل و کم خردیشان را به عقل ، نیاز آنان را به بی نیازی ، ذلتشان را به عزت ، خرابیشان را به آبادانی و خواری آنان را به سلطنت مبدل نموده و کفرشان را به ایمان ، جهنمشان را به بهشت ، تاریکی آنان را به نور و ترسشان را به امنیت ، نومیدیشان را به امیدواری ، اسارت آنان را به رهایی و بندگی آنان را به آزادگی تبدیل نماید.

در یک کلام برای آنها رسولی درس نخوانده و از خودشان بر انگیخت تا آیات الهی را بر آنان خوانده ، آنها را تزکیه نموده و کتاب و حکمت را به آنان آموزش داده و آنان را از این گمراهی سخت نجات دهد.

مردم بعد از بعثت او چند دسته شدند:

گروهی برسالت و دعوت او کافر شده و سزاوار جنگیدن ، کشتن و شکنجه جاوید شدند. گروهی نیز در ظاهر اسلام را قبول نموده ولی در دل اسلام را نپذیرفته و منافق شدند. با اسلام ظاهری خون آنها محفوظ شده و احکام اسلامی در مورد مسلمانان در این دنیا در مورد آنان جاری شد. ولی در آخرت بجهت نفاق در پائین ترین طبقات جهنم جاوید هستند.

و گروهی در ظاهر و باطن مسلمان شده و هم کار خوب و هم کارهای بد انجام دادند. این دسته ممکن است بدون رفتن به جهنم به بهشت بروند.

گروهی هم ، علاوه بر داشتن صفات گروه فوق عمل صالح انجام داده و کارهای خیر زیادی انجام دادند.

پروردگار به این دسته بهشتیهائی که در آن نهرهایی جریان دارد، وعده داده است . اینان هیچ عذاب و مجازاتی نمی بینند. خداوند گناهان آنها را بخشیده و بدیهایشان را به چند برابر خوبی تبدیل می کند.

و عده ای علاوه بر داشتن خصوصیات دسته قبل به منظور نزدیکی به خدای متعال به تزکیه نفس از اخلاق رذیله و آراستن آن به اخلاق عالی پرداخته که خدا نیز آنها را به خود نزدیک و مقام ارجمندی به آنان عنایت می کند.

و گروهی علاوه بر داشتن خصوصیات دسته قبل ، با فکر و ذکر و تلاش بسیار زیاد پروردگارشان را شناخته و آنگاه خالص از هر گونه شرکی ، او را یکتا دانسته ، او را دوست داشته و با بذل هر چه غیر اوست به او نزدیک شدند. و مشتاق دیدار او گردیدند. خداوند نیز آنان را بخوبی قبول و به خود نزدیک و تمامی حجابها را از آنها برداشت . جمال خود را به آنان نشان داد و آنان نیز با دیده و قلب بدون هر گونه حجابی آن را دیدند.

آنان را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل او (علیهم السلام) ملحق نموده و در جایگاه صدق در کنار آنان و در نزد پادشاه مقتدر جای داد. آنانند سبقت گیرندگان و نزدیک شدگان ؛ دوستان پیامبران و شهدا.

به هر صورت کسی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را شناخته و نعمت بعثت و فواید و انوار و برکات و خیرات آن را درک کرده باشد، این روز را روز بزرگی دانسته خوشحالی و سرور و شکر او بخاطر آن بیشتر می شود. و کسی را که در این روز مبعوث

شده زیاد ستایش نموده و بر او درود می فرستد و اعمالی را که لایق اوست به او هدیه می کند.

در آخر این روز نیز با تسلیم عمل و خواهش اصلاح آن ، به نگهبان این روز متوسل شده و با لطافت ، با آنان مناجات می نماید. زیرا لطافت سخن و عمل تاءثیر آن را افزایش می دهد.

### روز آخر رجب و قسمت سوم نماز سلمان رحمة الله

مرحله مهم دیگری که در این ماه برای سالک وجود دارد روز آخر این ماه است . از مهمترین اعمال این روز خواندن قسمت سوم نماز سلمان رحمة الله - که در مطالب روز اول شرح آن گذشت - می باشد. قسمت سوم آن نیز مانند دو قسمت پیشین ده رکعت است جز این که بجای دعاهای قبل بین هر دو رکعتی این دعا را می خواند: **لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قذیر و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم .**

در این روز باید در عرضه اعمال و عرض ناتوانی و کوتاهی خود تلاش نموده و همراه با اعتراف صادقانه و حیایی خالص و با وارد شدن از در فضل بزرگ او برای تمام حالات و اعمال خود چاره جویی نموده و آنان را اصلاح نماید. و با دوستان رو سفید خداوند به او متوسل شود. که او کریم بوده و کرامت را برای اولیا و بندگانی که بدنبال وسیله ای به در او آمده و محتاج به رحمت او هستند، دوست دارد. در کتاب خود آورده است : **((من یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء؛ ای کسی که وقتی او را بخوانند بیچارگان را اجابت نموده و گرفتاریشان را برطرف می نماید.))** و باین جهت که او **((کریم العفو))** می باشد. و **((کریم العفو))** را به کسی که گناهان را بخشیده و آنها را تبدیل به چند برابر نیکی می کند تفسیر کرده اند. و باید در توسل و عرضه اعمال و عرض ناتوانی و کوتاهیها لطافت بخرج داده و

مراقب باشد که مبدا با پایان ماه از حمایت مولای خود خارج شود. و به درگاه خدای متعال  
تضرع نماید که او را برای همیشه در حمایت خود قرار دهد و حمایت او در ماه یا حالت یا  
مکان خاصی نباشد. و باید در این جهت اهتمام داشته و از اهل غفلت نباشد.



منبع: (برگرفته از کتاب المراقبات تألیف عارف کامل میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمه الله علیه؛  
ترجمه ی ابراهیم محدث بندرریگی)